

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی

رفتار باروری زنان شهر تبریز

محمدباقر عزیزاده اقدم^{*}، توکل آقایی هیر^{**}، سعید سلطانی بهرام^{***}، نسرين انصاری اوزی^{****}

چکیده

رفتار باروری در جامعه به عنوان یکی از عوامل اصلی تغییرات جمعیتی، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است به گونه‌ای که تحول و دگرگونی در هر کدام از این عوامل، بر تغییرات باروری تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی خواهد گذاشت. در این پژوهش رفتار باروری در ارتباط با متغیرهای فردگرایی، استقلال زنان، میزان ارزش فرزندان، اشتغال زنان و میزان درآمد خانواده با روش پیمایش مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله شهر تبریز هستند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد آنها حدود ۳۳۸۲۲۰ نفر اعلام شده و ۴۹۸ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها جهت سنجش متغیرها و بررسی فرضیه‌ها نیز از پرسشنامه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای اشتغال زنان، میزان فردگرایی زنان و نگرش به ارزش فرزند با رفتار باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد. در حالی که بین متغیرهای استقلال زنان و میزان درآمد با رفتار باروری زنان رابطه معناداری مشاهده نگردید؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گفت تغییرات جمعیتی و باروری زنان بیش از همه تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

رفتار باروری، فردگرایی، استقلال زنان، اشتغال زنان.

*. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (m.alizadeh@tabrizu.ac.ir)
**. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، تبریز، ایران (t.aghayari@tabrizu.ac.ir)
***. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول) (s.soltani@urmia.ac.ir)

****. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (n.ansari@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

۱- مقدمه و بیان مسئله

در قرن بیستم نهاد خانواده تغییرات زیادی را در ابعاد مختلف از جمله کوچک‌تر شدن بعد خانواده، کاهش باروری، به تأخیر افتادن ازدواج و زمان اولین تولد در نتیجه افزایش استقلال، تحصیلات و اشتغال، افزایش مشارکت زنان در مشاغل، واگذاری بسیاری از کارکردهای خانواده به نهادهای رسمی، تغییرات چشمگیر در روابط زوجین، افزایش برابری در روابط قدرت و تصمیم‌گیری، تغییر از مکمل بودن به سمت برابری و تغییر از کنش هنجاری به انتخاب فردی تجربه کرده است، از این رو برخی از جامعه‌شناسان ایده وقوع انقلاب جهانی در خانواده را مطرح کرده‌اند (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۷).

نوتشتاین^۱ معتقد است که در سایه مدرنیزاسیون بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای خانواده نسبت به شکل‌گیری خانواده و فرزندآوری تغییر کرده است. به عبارتی شهرنشینی و صنعتی شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که گرایش به فرزندآوری و پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد را از بین می‌برد (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۲۹). اُرسال و گلدشتاین^۲ (۲۰۱۰) معتقدند که شرایط اقتصادی در مقایسه با ۳۰ سال گذشته نقش برجسته‌تری در تعیین رفتارهای باروری ایفا می‌کند. بر همین اساس، در ادبیات جدید اقتصاد و باروری، مشخصاً بر ناامنی اقتصادی^۳ به عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در روندهای کاهش باروری و باروری پایین بسیاری از مناطق دنیا تأکید شده است (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳: ۳۵).

بنابراین، باروری و پایین بودن آن از موضوعاتی است که اندیشمندان از گذشته‌های دور به آن پرداخته‌اند؛ برای مثال جان پیتر ساسمیلیچ^۴ که از وی به عنوان یکی از بنیان‌گذاران جمعیت‌شناسی یاد می‌شود در سال ۱۷۴۱ بیان کرده بود که اگر خانواده‌ها به طور متوسط کمتر از چهار فرزند به دنیا بیاورند، نشان از پایین بودن باروری است (Bacci, 2013: 72).

بر اساس آمارهای جهانی منتشر شده، جمعیت جهان طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، کاهش بی‌سابقه و چشمگیری را در سطوح باروری تجربه کرده است که بیشتر ناشی از کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه است (عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۶: ۶). امروزه، بسیاری از کشورهای

1. Notestein
2. Orsal & Goldstein
3. Economic Insecurity
4. Johann Peter Süssmilch

پیشرفته و در حال توسعه میزان باروری کل در سطح جانشینی^۱ و حتی پایین‌تر از سطح جانشینی^۲ را تجربه کرده‌اند. به موازات تحولات جمعیت شناختی در دنیا، ایران نیز از جمله کشورهای است که در چند دهه اخیر افت شدیدی را در نرخ‌های باروری خود داشته است. کاهش باروری از حدود ۷ فرزند به ازای هر زن، در سال ۱۳۵۹، (عباسی شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲: ۴۶) به ۶/۹ فرزند در سال ۱۳۶۳ (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵: ۳) و ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۷۶ و به ۲/۱ فرزند (به سطح جانشینی) در سال ۱۳۷۹ و به حدود ۱/۹ فرزند، در سال ۱۳۸۵، ۱/۸ فرزند در سال ۱۳۹۰ مؤید همین مطلب است. نرخ باروری استان‌های مختلف کشور، به صورت همگون، این روند کاهش را طی نموده و در سال ۱۳۹۰ باروری اکثر استان‌ها به زیر سطح جانشینی^۳ رسیده است و میزان باروری کل برای کشور حدود ۱/۸ فرزند به ازای هر زن بوده است (عباسی شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲: ۴۶).

پیش‌بینی می‌شود با تداوم روند کاهش نرخ باوری در حد زیر سطح جانشینی (۲/۱) فرزند برای هر زوج) در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۰ رشد سالانه جمعیت ایران به کمتر از یک درصد برسد. به علاوه ممکن است کاهش مداوم باروری منجر به پیامدهای متعددی از جمله تغییر ساختار جمعیت به سمت سالخوردگی (آزموده و همکاران، ۱۳۹۴: ۹) و از دست رفتن توان کوشش و کند شدن پویایی در زمینه آموزشی‌های علمی و صنعتی شود و در این حال چون گروه‌های سنی بالاتر نسبت به گروه‌های سنی جوان دارای ابعاد بیشتری است، بهره‌دهی اقتصادی جامعه‌ها به تناسب از نسلی به نسل دیگر کاهش می‌یابد (آشفته‌تهرانی، ۱۳۷۲: ۳۹). این کاهش به نوبه خود در سال‌های آینده می‌تواند تهدیدهایی همچون کاهش جمعیت فعال و مولد، سالخوردگی جمعیت و مسائل تأمین اجتماعی حاصل از به هم خوردن نسبت سنی را به همراه داشته باشد. این امر رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی را که نیازمند وجود نیروی جوان، فعال و نوآور است، تهدید می‌کند. در پی این تغییرات هشدارهای کارشناسان مبنی بر برنامه‌ریزی به منظور حفظ نرخ باروری در سطح جانشینی مطرح شد (رضوی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴).

در شهر تبریز نیز انتقال جمعیتی و به ویژه کاهش سریع باروری کل از ۴/۹ درصد در سال ۷۵-۱۳۶۵ به ۱/۳۵ درصد در سال ۹۰-۱۳۸۵ رسیده است (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) که این امر علاوه بر آن که ممکن است منجر به تغییرات بنیادی در ساختار سنی جمعیت شود؛ شهر تبریز

1. Replacement level

2. below-replacement level

۳. منظور از باروری کمتر از حد جانشینی، باروری کمتر از ۲/۱ است که به این معنی است که زوجین فرزندی را جایگزین خود نمی‌کنند.

را با چالش‌های جدی نظیر باروری زیر سطح جانشینی، کاهش جمعیت در سن کار، سالخوردگی و رشد منفی جمعیت در آینده نیز روبه‌رو خواهد کرد. البته این نکته شایان ذکر است که رفتار باروری زنان شهر تبریز همسو با تغییرات جمعیتی در کشور و سایر نقاط جهان است. بنابراین رفتار باروری در جامعه به عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت یا تغییرات جمعیتی، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است به گونه‌ای که تحول و دگرگونی هر کدام از این عوامل، بر تغییرات باروری تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی خواهد گذاشت. در همین راستا، ایران در چند دهه اخیر، تحولات جمعیت شناختی چشمگیری را تجربه کرده که این تحولات بیش از همه در مورد وضعیت زنان در جامعه قابل مشاهده است (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹: ۲۶). لذا در راستای شناسایی رفتار باروری زنان، این پژوهش در نظر دارد به سؤال اصلی مبنی بر: «عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر رفتار باروری زنان شهر تبریز کدام است؟» پاسخ دهد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

چمنی و همکاران در پژوهشی با عنوان «مطالعه‌ی چالش‌های فرزندآوری در شهر تهران با تأکید بر روش ترکیبی» به مطالعه شناسایی چالش‌های موثر بر کم فرزندآوری در جامعه ایرانی پرداختند. نتایج کیفی این پژوهش نشان داد که تصمیم افراد برای داشتن فرزند، راهکار خاصی برای ایجاد تعادل میان تمایلات فردی و ساختاری است. نتایج کمی این پژوهش نیز نشان داد که متغیرهای تعداد خواهر و برادر پاسخگو، سن ازدواج، محل تولد، اختلاف سنی همسران، درآمد خانواده، تحصیلات زن، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در امور خانواده، استقلال روانی (رضایت از زندگی)، نگرش مثبت و منفی به فرزند، ترجیح جنسی، نگرش به سقط‌جنین، مدیریت بدن، دین‌داری و تقدیرگرایی از عوامل مهم تأثیرگذار بر باروری (رفتار، ایدئال و تمایل فرزندآوری) زنان قلمداد می‌شود (چمنی و همکاران، ۱۳۹۵).

صادقی و سرایی پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران» با هدف شناخت متغیرهای حمایت اجتماعی، اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده بر گرایش به بارداری مجدد انجام دادند. آنها دریافتند که بین متغیرهای حمایت اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معنادار وجود دارد که نشان‌دهنده قوی بودن شبکه خویشاوندی در ایران است؛ اما بین متغیر اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معنی‌داری به دست نیامده است (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵).

حاجی‌زاده‌بنده قرا و همکاران پژوهشی با عنوان «تأثیر مثبت توانمندی زنان بر فرزندآوری: تعداد فرزندان بیشتر در زنان شاغل» با هدف مقایسه فرزندآوری در میان زنان شاغل و غیر شاغل انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که تعداد فرزند دوم در زنان شاغل بیشتر است. همچنین شانس تمایل به فرزندآوری در زنان شاغل دو برابر زنان خانه‌دار است. تمایل به داشتن فرزند پسر در زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل بوده و بین سطح تحصیلات و تعداد فرزندان زنان تفاوت آماری وجود ندارد. به عبارتی یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت اشتغال زنان بر فرزندآوری است (حاجی‌زاده‌بنده قرا و همکاران، ۱۳۹۵).

دراهمکی در پژوهشی به بررسی «عوامل تعیین‌کننده باروری ایدئال زنان: مطالعه باروری ایدئال زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله دارای همسر شهر نسیم شهر در سال ۱۳۹۳» با روش تحقیق پیمایشی پرداخت. نتایج نشان داد که متغیرهای سن، ترجیح جنسی، تقدیرگرایی، نیاز عاطفی به فرزند، تعداد خواهران و برادران به عنوان نشانی از عادت‌واره دوران کودکی رابطه مثبتی با باروری ایدئال دارند و استقلال تصمیم‌گیری و نگرش به بار مالی فرزندان رابطه‌ی منفی با باروری ایدئال دارد (دراهمکی، ۱۳۹۴).

رجبی و هاشمی‌نیا تحقیقی با عنوان «ارزش کودکان و رفتار باروری در شهر شیراز» انجام دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که عواملی چون سن ازدواج، تحصیلات پاسخگو و همسر رابطه معکوس با ارزش فرزند، باروری واقعی و ایدئال دارند. با افزایش عواملی مانند سن زن، مدت ازدواج و اجتناب از تک‌فرزندی، تعداد فرزند زنده به دنیا آمده و تعداد مطلوب فرزند و ارزش فرزند افزایش می‌یابد. ارزش فرزند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و مذهبی با باروری واقعی و ابعاد اقتصادی و مذهبی با باروری ایدئال رابطه معنی‌دار و مستقیم دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که متغیرهای مدت ازدواج، محل تولد، سن ازدواج پاسخگو، تحصیلات پاسخگو، تمایل به ترکیب جنسی فرزندان، فواید اجتماعی و اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی فرزند قادر به تبیین تغییرات باروری واقعی می‌باشند (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲).

خرایف و همکاران در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش روی باروری زنان: مطالعه موردی زنان دانشگاه ریاض عربستان سعودی» به این نتیجه دست یافتند که تحصیلات، سن ازدواج زنان، شوهران، اندازه خانواده ایدئال، استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری را بالا می‌برد؛ ولی تعداد فرزندان، سال‌های زندگی با شوهر و تعداد فرزندان ایدئال را پیش‌بینی نمی‌کند (Khraif & et al, 2017).

اسکیربک در پژوهشی با عنوان «نقش پایگاه اجتماعی در تمایلات باروری» دریافت که افرادی که از درآمد/ ثروت بالا، طبقه‌ی اجتماعی بالا و شغل خوبی برخوردارند؛ نسبت به سایر افراد تعداد فرزندان کمتری دارند و تا زمانی که این روابط مشاهده شود ارزش باروری کمتر خواهد بود (Skirbekk, 2008).

ریامی و همکاران در پژوهشی با عنوان «استقلال، آموزش و اشتغال زنان و تأثیر آنها در استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری در عمان» به این نتیجه دست یافتند که استقلال زنان بر تصمیم‌گیری‌ها و کاهش باروری آنها و استفاده از وسایل پیشگیری از وسایل بارداری در میان زنان مؤثر است (Riyami & et al, 2004).

نتایج پژوهش هیندین با عنوان «استقلال زنان، پایگاه زنان و ارتباط با رفتار باروری در زیمبابوه» نشان داد که سطح باروری زنان تحصیل کرده کمتر از زنان با تحصیلات کم‌تر است و سطح باروری در بین زنان شاغل کمتر از زنان خانه‌دار است که این امر حاکی از رابطه منفی تحصیلات و اشتغال زنان با باروری است. زنانی که همسرانشان از تحصیلات پایینی برخوردارند باروری بیشتری را نسبت به زنانی که همسرانشان از تحصیلات بیشتری برخوردارند نشان می‌دهند. در خانواده‌هایی که زنان استقلال تصمیم‌گیری کمی دارند و سلطه مردان بر تصمیمات زندگی بیشتر است رابطه‌ی منفی با رفتار باروری وجود دارد و برعکس هر چقدر استقلال تصمیم‌گیری زنان بیشتر باشد رفتار باروری زنان آنها کمتر می‌شود. (Hindin, 2000)

مرور ادبیات نظری و تجربی موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام گرفته از حیث تئوریک ساختار و شالوده منظمی نداشته و هر کدام صرفاً از منظر متغیرهای مورد بررسی اقدام به مطالعه روابط بین متغیرها کرده‌اند. لیکن شالوده نظری این پژوهش نظریه نوگرایی بوده و متغیرهای دیگر در بستر آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام گرفته نقش متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را به صورت توأمان بررسی نکرده‌اند و این خلأ عمده پژوهش‌های پیشین بوده است. مزیت نسبی پژوهش حاضر این است که نقش متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است تا مشخص گردد نقش کدام یک از آنها در تبیین رفتار باروری زنان مؤثر بوده است.

۳- مبانی و چارچوب نظری

رفتار باروری در یک جمعیت، تابعی از تعامل میان مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است؛ بنابراین چارچوب نظری هدایت‌کننده برای مطالعه در این خصوص نیز باید از تعامل چندین نظریه مرتبط در این زمینه حاصل شده باشد. از سوی دیگر، شاید مطالعه رفتار باروری یک جمعیت به طور مستقیم کار ساده‌ای نباشد، اما همچون دیگر رفتارهای اجتماعی و فردی معمولاً توسط مؤلفه‌ها و متغیرهایی قابل تبیین و بررسی است. تئوری‌های رفتار باروری با توجه به چارچوب نظری در سه حوزه جامعه‌شناختی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در الگوی جامعه‌شناختی بر اهمیت و نقش عوامل فرهنگی در رفتار باروری تأکید می‌شود. یکی از تبیین‌های مهم ساختاری، نظریه نوسازی^۱ است. تئوری نوسازی با تأکید بر تغییرات ساختاری و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، تغییرات باروری را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند. بر این اساس، تحولات باروری به منزله سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می‌شود. در فرآیند مدرنیزاسیون، افراد به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی خود هستند. بر اساس این تئوری، به دلیل فروپاشی ترتیبات سنتی حاکم بر زندگی روزمره افراد، همراه با استقرار سبک‌های نوین زندگی شهری و صنعتی، نگرش‌ها و تمایلات فرزندآوری تغییر می‌کند (رزاقی نصرآباد و سرایی، ۱۳۹۳: ۲۳۱).

به این ترتیب از بین شاخص‌های مهم مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی و رشد فردگرایی اشاره کرد. در فرآیند نوسازی، خانواده محوری جای خود را به فرد محوری می‌دهد و هم‌زمان، سازمان‌ها و نهادهای جدید، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را بر عهده می‌گیرند، بنابراین، مطابق با تغییر کارکرد خانواده شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و در نتیجه، خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود. به این معنا که تصمیمات فردی زوجین جایگزین تصمیمات فامیل درباره باروری می‌شود؛ بنابراین، نوسازی از این طریق باعث افزایش سن ازدواج افراد و کاهش باروری شد (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲).

با توجه به اهمیت تغییرات خانواده هسته‌ای و ظهور فردگرایی در عرصه آن، چارچوب نظری تحقیق حاضر بر مباحث مربوط به تغییرات خانواده هسته‌ای در نیمه دوم قرن بیستم تمرکز دارد. در این مباحث، اندیشمندانی چون فوکویاما، گیدنز و بک ظهور فردگرایی در خانواده را به مثابه رهایی از قیدوبندهای الزام‌آور بیرونی تعریف و با تمرکز بر تحولاتی چون توسعه شهرنشینی، توسعه آموزش عالی، بهبود وضعیت اشتغال زنان و توسعه‌ی فناوری‌های پیشگیری از بارداری تبیین کرده‌اند. این تبیین‌ها در قالب پژوهش‌های تجربی متعددی آزمون و تا اندازه‌ای نیز تأیید شده است، و نر و آبراهامسون^۱ در سال ۲۰۰۴ بر مبنای مجموعه داده‌هایی از سطح اروپا، نظریه بک درباره ظهور فردگرایی در عرصه خانواده را آزمون کرده‌اند، آزمونی که نشان می‌دهد بهبود و رونق سطح رفاه اجتماعی موجب دگرگونی جایگاه زنان و جوانان در ساختار روابط خانوادگی شده و امکان فردگرایی را برای آنها امکان‌پذیر کرده است (Wehner & Abrahamson, 2004: 558).

در مجموع با توجه به مباحث نظری تحقیق می‌توان استدلال کرد که ظهور فردگرایی در عرصه خانواده تابعی از فرآیندهای نوسازی اجتماعی بوده و می‌توان آن را با تأکید بر مفاهیمی چون رفاه اجتماعی، استقلال مالی، تحصیلات دانشگاهی، جنسیت و سن توضیح داد. علاوه بر این، با توجه به تعریف فردگرایی بر مبنای میزان پایبندی به ارزش‌های خانواده، باید به این مهم توجه داشت که فرآیندهای نوسازی اجتماعی اگر چه می‌توانند ساختار و کارکرد خانواده را تغییر دهند، اما لزوماً به ظهور فردگرایی در عرصه خانواده منجر نمی‌شوند. مرور ادبیات نظری و تجربی موجود نشان می‌دهد که ساختار و کارکرد خانواده در ایران تا اندازه‌ای تحت تأثیر فرآیندهای نوسازی دگرگون‌شده است، با توجه به مباحث نظری موجود، درون‌مایه این دگرگونی گذر از خانواده سنتی به خانواده مدرن است. بررسی روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده در ایران نشان می‌دهد که فرآیندهایی چون تغییرات جمعیت شناختی نظیر افزایش آمار طلاق، کاهش نرخ باروری، افزایش سن ازدواج و نیز افول کارکردهای مراقبتی و جنسی بر فردی شدن نهاد خانواده در ایران دلالت دارند (بالاخانی و ملکی، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۵).

نظریه‌ی اقتصاد جدید خانوار با کار هوارد بکر (۱۹۶۰) در دانشگاه کلمبیا شروع شد. در این نظریه تلاش می‌شود رابطه‌ی منفی بین اشتغال زنان و باروری تبیین شود. بر اساس این نظریه، والدین طبقات مرفه‌تر برای خرید کالا و شرکت در فعالیت‌های وقت‌گیر موقعیت‌های بیشتری دارند؛ بنابراین، برای پرورش فرزندان با معیارهای مورد نظرشان، تعداد آنها را باید محدود کنند

(عسگری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰). از نظر او کودکان برای والدین، همانند سایر کالاها، ارزیابی می‌شوند. یکی از ارزش‌هایی که والدین قصد دارند در حد بالایی از آن بهره‌مند باشند، بیشینه کردن ثروت است. به نظر می‌رسد والدینی که خواستار ثروت بیشتری هستند، والدین تحصیل کرده‌ای هستند که رتبه شغلی آنها بالاتر و هزینه‌ی فرصت‌هایشان نیز زیاد است و نیز والدینی که به دلیل داشتن درآمد بیشتر دسترسی آسان‌تری به ابزارهای کنترل باروری دارند، خواستار فرزندان کم‌تری هستند و متقابلاً والدین کم‌درآمد دارای مشاغل پایین و فاقد امکان دسترسی به روش‌های کنترل باروری در عمل فرزندان بیش‌تری خواهند داشت (موسوی و قافله‌باشی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

با نفوذترین تئوری انتخاب عقلانی برای مطالعه رابطه شرایط اقتصادی و اجتماعی و رفتار باروری، از گری بکر^۱ (۱۹۶۰) گرفته شده است. گری بکر استاد دانشگاه شیکاگو برنده جایزه نوبل اقتصاد از پیشگامان تحلیل اقتصاد باروری است. فرض اصلی نظری بکر این است که کودکان برای والدین مانند کالاهای مصرفی با دوام^۲ هستند. از سوی دیگر خانواده به مثابه یک کل تلاش می‌کند تا کالاهای بیش‌تری اعم از فرزندان و سایر کالاها را با توجه به بودجه محدود خود مصرف کند. در این حالت مطلوب خانواده عبارت از مطلوب حاصل از مصرف فرزندان و دیگر کالاهاست. به عبارت دقیق‌تر، کالاهایی که زوجین می‌توانند بخرند، عبارت است از: تعداد فرزند زنده، کیفیت بچه (شامل سلامت و آموزش)، کالاهای متداول و خدمات. در این مدل محدودیت‌های خانواده‌ها، زمان و هزینه خرید کالاها و خدمات است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۳). بر اساس این مدل، بکر می‌کوشد مسئله کاهش باروری را تبیین کند. به اعتقاد وی هزینه فرزندان در دنیای کنونی در حال افزایش است؛ به ویژه به این دلیل که هزینه فرصت والدین در حال افزایش است و به بیان دیگر زمانی که صرف بچه‌داری می‌شود، در حال حاضر ارزش بیش‌تری از گذشته دارد. وی همچنین به این نکته اشاره می‌کند که گسترش وسایل پیشگیری از حاملگی نیز در کاهش باروری مؤثر بوده است و با توجه به افزایش هزینه کیفیت بچه‌ها یا به عبارت دیگر هزینه‌ای که باید صرف آموزش، بهداشت و سایر موارد شود، در حال حاضر بسیاری از والدین با سرمایه‌گذاری زیاد برای کودکان مخالف هستند و حاضرند پول زیادی را برای داشتن فرزند کمتر هزینه کنند (گیلیس و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۰۴).

بر اساس نظریه جریان ثروت بین نسلی که توسط کالدول در سال ۱۹۷۶ مطرح شده است (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۸) باروری در دامنه میان کمترین تا بیشترین سطح، تحت تأثیر یک دسته دلایل شخصی، اجتماعی و فیزیوژنیک است. او معتقد است مراحل مدرنیزاسیون در کشورهای در حال توسعه انجام نشده و باروری بالا در کشورهای در حال توسعه، یک پاسخ عقلانی به شرایط اقتصادی نیست. بنابراین باروری هنگامی بالا یا پایین می‌رود که نگرش‌ها و باورها تغییر پیدا می‌کند و ارزش‌های باروری پایین برای افراد درونی شود. کالدول همچنین با انتقاد از نظریه انتقال جمعیت می‌گوید: این نظریه نیز فراموش کرده است که باروری بالا، پاسخی است منطقی به شرایط اجتماعی اقتصادی و خانواده گسترده برای این است که ارزش بچه‌ها بالاست (چمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۴). به نظر او در جوامع بدوی و سنتی، برای فرزندان که از نظر اقتصادی سودمند هستند، محدودیت تعداد وجود ندارد و بسیار بیشتر از هزینه‌هایشان تولید می‌کنند. جریان ثروت از کودکان به پدر و مادر است (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۹). کالدول در نظریه‌ی جریان ثروت نسلی، استدلال می‌کند که در فرآیند توسعه، انتقال ثروت از فرزندان به والدین برعکس می‌شود. او مدعی است که آموزش عمومی، به عنوان تعیین‌کننده اصلی شروع کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه است. در جوامع توسعه‌نیافته والدین، فرزندان را نیروی کار، اعتبار اجتماعی، کمک در دوران پیری و ... می‌دانند (غفاری نسب و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵).

نظریه اشاعه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط نودل و وندوال به کار گرفته شد و مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفت؛ نظریه اشاعه نوآوری^۱ از گسترش فناوری‌های جدید رفتار در جامعه بحث می‌کند (سعیدی مدنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵). اشاعه را می‌توان به عنوان روندی دانست که به واسطه آن، نوآوری‌ها از یک محل، گروه اجتماعی یا افراد به دیگری انتقال و بسط می‌یابند (Retherford & Palmore, 1983: 296). مفهوم اشاعه به دو مؤلفه اساسی یعنی نفوذ اجتماعی و یادگیری اجتماعی، بر سطوح متفاوت شخصی، محلی، ملی و جهانی دخیل در انتقال اطلاعات تمرکز دارد (صادقی، ۱۳۹۵: ۲۲۱). طبق تئوری اشاعه و نوآوری، آنچه اهمیت دارد ترجیح دادن خانواده‌ی کوچک است که با نوآوری تحدید باروری و به تأخیر انداختن ازدواج به هدف می‌رسد (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

با توجه به مباحث نظری مطرح‌شده، چارچوب نظری تحقیق حاضر مبتنی بر نظریه مدرنیزاسیون یا نوگرایی است. نگارندگان بر این باورند که دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده

نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری جامعه و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نشئت گرفته از نوگرایی است. همچنین، می‌توان استدلال کرد که دستاورد مدرنیزاسیون برابری جنسیتی، فرصت‌های شغلی، استقلال مالی و گسترش تحصیلات دانشگاهی برای زنان بوده که این عوامل تأثیر مستقیمی بر کارکرد خانواده و رفتار باروری زنان دارد. همچنین، ظهور فردگرایی در عرصه خانواده تابعی از دگرگونی‌های مربوط به فرآیندهای مدرنیزاسیون هست که موجب دگرگونی جایگاه زنان و جوانان در ساختار روابط خانوادگی شده و امکان فردگرایی را برای آنها امکان‌پذیر کرده است. بر این اساس فرضیه‌های این پژوهش به شرح ذیل است:

- به نظر می‌رسد میانگین رفتار باروری زنان شهر تبریز بر حسب اشتغال آنان تفاوت معناداری دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش فردگرایی زنان و رفتار باروری زنان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش به ارزش فرزندان و رفتار باروری زنان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین استقلال زنان و رفتار باروری زنان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان درآمد و رفتار باروری زنان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

رفتار باروری: باروری عبارت است از زاد و ولد بالقوه یک زن با یک گروه اجتماعی از زنان. به عبارت دیگر باروری مشخص می‌کند که در یک گروه از زنان که در سن خاصی قرار می‌گیرند، در یک سال چند فرزند متولد می‌شود (حلم سرشت و دل بیشه، ۱۳۸۴، ۱۴). دائرةالمعارف تطبیق علوم اجتماعی، باروری را متوسط تعداد کودکان زنده متولدشده‌ای که زنان واقع در سن فرزندآوری در جامعه‌ی معینی تعریف می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷). در پژوهش حاضر منظور از رفتار باروری با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده هر زن است که بر اساس اظهار پاسخگو و در سطح سنجش نسبی سنجیده شده است.

ارزش فرزندان: ارزش فرزندان، مجموعه چیزهای خوبی هستند که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند. لوئیز هافمن و مارتین هافمن^۱ یک سیستم ارزشی متشکل از نه مقوله را به وجود آورده‌اند که شامل هشت ارزش غیراقتصادی (نظیر کمال، جاودانگی، خوشحالی، خلاقیت) و یک سودمندی اقتصادی صرف می‌شود. این نه مقوله شامل ارزش‌های عمومی مثبت (منافع) داشتن فرزند مانند (فواید عاطفی، اقتصادی و ...)، ارزش‌های عمومی منفی (هزینه‌های) داشتن

فرزند مانند (هزینه‌های عاطفی، اقتصادی و ...) و ارزش‌های خانواده کوچک و بزرگ است (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۹۴).

نگرش به ارزش فرزندان: در این پژوهش نگرش به ارزش فرزندان از طریق سه شاخص ارزش فرزند، فواید فرزند و هزینه‌های فرزند مورد سنجش قرار می‌گیرد (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۷). هزینه‌های روانی-احساسی (نگرانی درباره سلامتی، رفتار و پرورش کودکان) هزینه‌های اقتصادی (هزینه تحصیل و رشد کودک)، محدودیت‌ها و فرصت‌های ازدست‌رفته و مسائل خانوادگی (محدودیت‌های شرکت در فعالیت‌های اجتماعی) مورد سنجش قرار گرفته است (رجبی و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۰). اینکه فرزندان موجب فشارهای روحی و روانی و اقتصادی بر والدینشان می‌شوند. فرزندان والدین را از انجام دادن کارهایی که دوست دارند باز می‌دارند و مانعی برای رشد و ارتقای شغلی و اجتماعی آنان می‌شود.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری در این پژوهش را ۳۳۸۲۲۰ نفر زن متأهل ۱۵-۴۹ ساله‌ی شهر تبریز بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ شهر تبریز تشکیل می‌دهند. حجم نمونه پژوهش بعد از انجام پیش‌آزمون از ۳۰ نفر زن متأهل ۱۵-۴۹ ساله و تعیین واریانس متغیر وابسته با استفاده از فرمول کوکران ۴۵۰ نفر محاسبه گردید؛ که با فرض احتمال مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها حجم نمونه به ۴۹۸ نفر افزایش یافت. با توجه به در دست نبودن فهرستی از جامعه آماری، این پژوهش با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. بدین ترتیب جمعیت زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تبریز بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ به تفکیک مناطق ده‌گانه شهرداری استخراج شده، سپس متناسب با جمعیت زنان هر منطقه و نسبت آن با جمعیت کل، نمونه‌ها به هر منطقه اختصاص یافتند. سپس در داخل هر منطقه شهرداری، محلات به صورت تصادفی انتخاب شدند و در نهایت در محلات انتخاب‌شده، نمونه‌ای از زنان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است.

اعتبار و پایایی

برای سنجش اعتبار گویه‌های پژوهش حاضر از اعتبار سازه‌ای استفاده شده است. اعتبار سازه یک ابزار اندازه‌گیری نمایانگر آن است که ابزار اندازه‌گیری تا چه اندازه یک سازه یا خصیصه‌ای را که مبنای نظری دارد می‌سنجد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۲). به منظور انجام پیش‌آزمون در طرح حاضر تعداد ۳۰ عدد پرسشنامه طرح شده برای مطالعه حاضر با مراجعه به منازل شهروندان

تبریزی در مناطق مختلف شهر تکمیل گردید. از این پرسشنامه‌ها واریانس یکی از متغیرهای وابسته (سؤال ۱۵ پرسشنامه رفتار باروری زنان) جهت تعیین حجم نمونه اصلی محاسبه گردید. همچنین بررسی اعتبار^۱ پرسشنامه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در این مرحله انجام شد. به منظور بررسی پایایی متغیرهای مورد استفاده از آلفای کرونباخ استفاده گردید که میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای متغیر فردگرایی ۰/۸۱، متغیر استقلال زنان ۰/۸۹ و ارزش فرزندان ۰/۷۷ به دست آمده است.

۵- یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج حاصل از نمونه آماری زنان از مجموع کل مناطق ده‌گانه تبریز، کمترین تعداد اطلاعات از زنان منطقه هشت (۲ درصد) و بیشترین تعداد از زنان منطقه چهار تبریز (۱۹/۷) به دست آمده است. از کل نمونه آماری ۴۹۸ نفر، تعداد ۱۵۴ نفر از زنان شاغل و ۳۴۴ نفر از زنان مورد بررسی غیرشاغل می‌باشند. بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان بیان نمود که گزینه شاغلین با ۳۰/۹ درصد کمترین و گزینه غیرشاغل با ۶۹/۱ درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. از لحاظ وضعیت میزان درآمد خانواده از کل نمونه آماری ۴۹۸ نفر، ۰/۲ درصد درآمد ماهیانه ندارند. ۶/۸ درصد از خانواده‌ها درآمد کمتر از ۵ میلیون تومان، ۲۳/۷ درصد درآمد ۵ الی ۱۰ میلیون تومان، ۲۵/۱ درصد درآمدی بین ۱۰ الی ۱۵ میلیون تومان، ۱۱/۸ درصد درآمدی بین ۲۰ الی ۲۵ میلیون تومان، ۷/۶ درصد درآمدی بین ۲۵ الی ۳۰ میلیون تومان و ۹/۸ درصد درآمدشان از ۳۰ میلیون بالاتر است. بر اساس اطلاعات به دست آمده میانگین درآمد خانواده ۱۰ الی ۱۵ میلیون است. از لحاظ میزان درآمد زنان، از کل نمونه آماری ۴۹۸ نفر، ۶۸/۷ درصد درآمد ماهیانه ندارند. ۱۰/۴ درصد از زنان درآمد کمتر از ۵ میلیون تومان، ۷/۸ درصد درآمد ۵ الی ۱۰ میلیون تومان، ۶/۴ درصد درآمدی بین ۱۰ الی ۱۵ میلیون تومان، ۲/۰ درصد درآمدی بین ۱۵ الی ۲۰ میلیون تومان، ۲/۰ درصد درآمدی بین ۲۰ الی ۲۵ میلیون تومان، ۱/۲ درصد درآمدی بین ۲۵ الی ۳۰ میلیون تومان و ۱/۴ درصد درآمدشان از ۳۰ میلیون بالاتر است.

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ۱۹/۷ درصد از زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز تمایلی به داشتن فرزند نداشتند. ۱۵/۵ درصد علاقه‌مند به داشتن یک فرزند، ۴۵/۰ درصد دو فرزند و ۱۱/۰ سه فرزند، ۷/۰ درصد چهار فرزند، ۱/۰ درصد پنج فرزند، ۰/۲ درصد شش فرزند و

۰/۶ درصد تمایل به داشتن هشت فرزند می‌باشند. میانگین به‌دست‌آمده ۱/۷۷۷۱ نشان‌دهنده‌ی آن است که اکثریت زنان تمایل به داشتن دو فرزند می‌باشند. به عبارتی ۸۰ درصد افراد تمایل به داشتن دو فرزند و کمتر می‌باشند.

متغیر وابسته این تحقیق رفتار باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تبریز است؛ که برای سنجش رفتار باروری زنان، یکی از ابعاد رفتار باروری یعنی تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده زنان انتخاب‌شده است. بر اساس اطلاعات جدول شماره (۱)، ۱۲/۹ درصد زنان فرزندى ندارند. ۳۸/۴ درصد از زنان یک فرزند، ۳۶/۱ درصد از زنان ۲ فرزند، ۱۰/۰ درصد از زنان ۳ فرزند، ۲/۲ درصد از زنان ۴ فرزند، ۰/۲ درصد از زنان ۵ فرزند و ۰/۲ درصد از زنان ۶ فرزند دارند. قابل ذکر است که پایین‌ترین درصد تعداد فرزند به طور مساوی شامل ۵ فرزند و ۶ فرزند است و بالاترین درصد تعداد فرزندان شامل ۱ فرزند است. میانگین به‌دست‌آمده ۱/۵۱۸۱ بیانگر این است اکثریت زنان یک فرزند دارند.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی وضعیت تعداد فرزندان زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله شهر تبریز

تعداد فرزندان	تعداد	درصد	درصد تجمعی	میانگین	کمینه	بیشینه
فرزند نداشتن	۶۴	۱۲/۹	۱۲/۹	۱/۵۱۸۱	۰/۰۰	۶/۰۰
یک فرزند	۱۹۱	۳۸/۴	۵۱/۲			
دو فرزند	۱۸۰	۳۶/۱	۸۷/۳			
۳ فرزند	۵۰	۱۰/۰	۹۷/۴			
۴ فرزند	۱۱	۲/۲	۹۹/۶			
۵ فرزند	۱	۰/۲	۹۹/۸			
شش فرزند	۱	۰/۲	۱۰۰/۰			
جمع	۴۹۸	۱۰۰				

میزان ارزش فرزندان یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق است. برای سنجش متغیر میزان ارزش فرزندان از ۲۴ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای استفاده شده است. طیف رتبه‌ای در ۶ قسمت است که نمره‌ی ۲۴ (کاملاً مخالفم) بیانگر میزان پایین ارزش فرزندان و نمره ۱۴۴ (کاملاً موافقم) بیانگر میزان بالای ارزش فرزندان است. با توجه به یافته‌های تحقیق از جدول شماره (۲)، میانگین ارزش فرزندان به‌دست‌آمده از مجموع گویه‌ها ۱۰۱/۰۹ است؛ و با توجه به اینکه میانگین اعداد نمره‌های ۲۴ تا ۱۴۴ نمره ۸۴ است. پس نتیجه برآورد میانگین پاسخگویان از نمره متوسط بالاتر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که ارزش فرزندان در بین پاسخگویان در سطح بالاتر از حد متوسط است.

فردگرایی یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق است. برای سنجش متغیر میزان فردگرایی از ۱۰ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای استفاده شده است. طیف رتبه‌ای در ۶ قسمت است که نمره‌ی ۱۰ (کاملاً مخالفم) بیانگر پایین بودن میزان فردگرایی و نمره ۶۰ (کاملاً موافقم) بیانگر میزان بالای فردگرایی است. با توجه به یافته‌های تحقیق در جدول شماره (۲)، میانگین فردگرایی به‌دست‌آمده از مجموع گویه‌ها ۴۵/۱ است؛ و با توجه به اینکه میانگین اعداد نمره‌های ۱۰ تا ۶۰ نمره ۳۵ است. پس نتیجه برآورد میانگین پاسخگویان از نمره‌ی متوسط، بالاتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان فردگرایی در بین پاسخگویان در سطح بالاتر از حد متوسط است. استقلال زنان یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق است. برای سنجش متغیر استقلال زنان از ۱۲ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای استفاده شده است. طیف رتبه‌ای در ۶ قسمت است که نمره ۱۲ (کاملاً مخالفم) بیانگر پایین بودن میزان استقلال زنان و نمره ۷۲ (کاملاً موافقم) بیانگر میزان بالای استقلال زنان است. با توجه به یافته‌های تحقیق در جدول شماره (۲)، میانگین استقلال زنان به‌دست‌آمده از مجموع گویه‌ها ۴۰/۰۸ است؛ و با توجه به اینکه میانگین اعداد نمره‌های ۱۲ تا ۷۲ نمره ۴۲ است. پس نتیجه برآورد میانگین پاسخگویان از نمره متوسط، نسبتاً پایین‌تر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که میزان استقلال زنان در سطح نسبتاً پایین‌تری از حد متوسط است.

جدول شماره (۲): آماره توصیفی میزان ارزش فرزندان، فردگرایی و استقلال زنان

متغیر	تعداد	میانگین	مینیمم	ماکزیمم
میزان ارزش فرزندان	۴۹۸	۱۰۱/۰۹۶۴	۵۳	۱۳۲
فردگرایی	۴۹۸	۴۵/۱۳۰۵	۲۰	۶۰
استقلال زنان	۴۹۸	۴۰/۰۷۸۳	۱۲/۰۰	۷۲/۰۰

رابطه بین اشتغال زنان و رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز

یکی از فرضیه‌های مورد آزمون در این تحقیق عبارت بود از این که بین اشتغال زنان و رفتار باروری زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در خصوص بررسی رابطه بین اشتغال زنان و رفتار باروری زنان، بر اساس اینکه مقدار t برابر با $-۵/۱۲۱$ بوده و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $Sig = ۰/۰۰$ است. بر این اساس فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌گردد. به عبارتی بین شاغل بودن زن و رفتار باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی زنان شاغل تعداد فرزندان کمتری نسبت به زنان غیرشاغل دارند.

جدول شماره (۳): آزمون تفاوت میانگین رفتار باروری زنان بر اساس وضعیت اشتغال آنها

متغیر وابسته	اشتغال زنان	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
رفتار باروری	شاغل	۱۵۴	۲/۱۴۳	۳۳۲/۳۸۴	-۵/۱۲۱	۰/۰۰۰
	غیر شاغل	۳۴۴	۳/۵۴۱			

رابطه بین میزان درآمد خانواده و رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز بر اساس اطلاعات به دست آمده مربوط به بررسی رابطه بین میزان درآمد خانواده و رفتار باروری زنان، با توجه به اینکه میزان ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $r = -0/12$ و سطح معنی داری محاسبه شده نیز $Sig = 0/783$ بزرگتر از آلفای تحقیق $\alpha = 0/05$ است، بر این اساس فرضیه H^1 رد و فرضیه H^0 تأیید می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت بین میزان درآمد خانواده و رفتار باروری زنان رابطه‌ی معنی داری وجود ندارد. به عبارتی میزان درآمد خانواده تأثیری بر میزان رفتار باروری زنان ندارد.

رابطه بین نگرش به ارزش فرزندان و رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز برای آزمون ارتباط این دو متغیر، استفاده از آزمون همبستگی R پیرسون استفاده شده است که نتایج مربوط به این آزمون در جدول شماره (۴) آمده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده مربوط به بررسی رابطه بین ارزش فرزندان و رفتار باروری زنان، با توجه به اینکه میزان ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $r = 0/218$ و سطح معنی داری محاسبه شده نیز $sig = 0/000$ کوچکتر از آلفای تحقیق $\alpha = 0/05$ است، بر این اساس با ۹۵٪ اطمینان فرضیه H^1 تأیید و فرضیه H^0 رد می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت بین ارزش فرزندان و رفتار باروری زنان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد به عبارتی با افزایش ارزش فرزندان میزان رفتار باروری زنان افزایش یافته است.

رابطه بین فردگرایی و رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز بر اساس اطلاعات به دست آمده مربوط به بررسی رابطه بین فردگرایی و رفتار باروری زنان، با توجه به اینکه میزان ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $r = -0/179$ و سطح معنی داری محاسبه شده نیز $sig = 0/000$ کوچکتر از آلفای تحقیق $\alpha = 0/05$ است. بر این اساس با ۹۵٪ اطمینان فرضیه H^1 تأیید و فرضیه H^0 رد می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت بین فردگرایی و رفتار باروری زنان رابطه‌ی ضعیف و معکوس معنی داری وجود دارد به عبارتی با افزایش میزان فردگرایی، میزان رفتار باروری زنان کاهش پیدا می‌کند.

رابطه بین استقلال زنان و رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده مربوط به بررسی رابطه بین استقلال زنان و رفتار باروری زنان، با توجه به اینکه میزان ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $r = 0/032$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده نیز $Sig = 0/477$ بزرگ‌تر از آلفای تحقیق $\alpha = 0/05$ است. بر این اساس با 95% اطمینان فرضیه H^1 رد و فرضیه H^0 تأیید می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت بین استقلال زنان و رفتار باروری زنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره (۴): بررسی رابطه بین استقلال زنان و رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز

متغیرهای مورد بررسی	فراوانی	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
میزان درآمد خانواده و رفتار باروری زنان	۴۹۸	-۰/۰۱۲	۰/۷۸۳
نگرش به ارزش فرزندان و رفتار باروری زنان	۴۹۸	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
فردگرایی و رفتار باروری زنان	۴۹۸	-۰/۱۷۹	۰/۰۰۰
استقلال زنان و رفتار باروری زنان	۴۹۸	۰/۰۳۲	۰/۴۷۷

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره رفتار باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تبریز

هدف از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مشخص کردن سهم و تأثیر متغیرهای تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. بدین منظور، از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره بر اساس روش حداقل مربعات^۱ و با استفاده از روش گام به گام^۲ استفاده شده است. در روش گام به گام وارد شدن متغیرها به تحلیل رگرسیونی در اختیار محقق نیست و اولین متغیر پیش بین^۳ بر اساس بالاترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته وارد تحلیل رگرسیونی می‌شود و سپس سایر متغیرهای پیش‌بینی‌کننده برحسب میزان همبستگی جزئی یا نیمه جزئی در تحلیل وارد می‌شوند. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر آن است از میان متغیرهای مستقل که وارد معادله شده‌اند، متغیرهای نگرش به ارزش فرزندان و فردگرایی در مدل نهایی باقی مانده‌اند. چنانچه در جدول شماره (۵)، مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برای این مدل رگرسیونی معادل $0/448$

1. OLS
2. Stepwise Regression
3. Predictor

و مجذور آن یعنی ضریب تبیین معادله رگرسیونی معادل $0/200$ و ضریب تبیین تعدیل شده معادل $0/179$ است. چنین استنباط می‌شود که این دو متغیر در مجموع ۱۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند؛ یعنی ۱۸ درصد از تغییرات رفتار باروری زنان توسط این ۲ متغیر که در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند تبیین می‌شود. بر این اساس مدل رگرسیونی رفتار باروری زنان به شرح زیر خواهد بود.

$$\text{فردگرایی} (0/159) - (\text{نگرش به ارزش فرزندان} 0/186 + \text{رفتار باروری} 48/363) = \text{رفتار باروری}$$

بر اساس معادله فوق، ملاحظه می‌شود که متغیر رفتار باروری زنان بیش از هر چیز از نگرش به ارزش فرزندان تأثیر می‌پذیرد. در نهایت فردگرایی با بتای $-0/169$ در رفتار باروری زنان تأثیر گذار بوده است.

جدول شماره (۵): آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره رفتار باروری زنان متأهل

متغیر	بتا	T	سطح معنی داری	ضریب همبستگی چندگانه	۰/۴۴۸
عرض از مبدأ	-	۵/۲۴۳	۰/۰۰۰	ضریب تبیین	۰/۲۰۰
نگرش به ارزش فرزندان	۰/۱۸۶	۴/۶۷۳	۰/۰۰۰	ضریب تبیین تصحیح شده	۰/۱۷۹
فردگرایی	-۰/۱۵۹	۲/۵۶۴	۰/۰۰۰	کمیت دوربین واتسون	۱/۸۷۰
-	-	-	-	کمیت F	۱۲/۷۷۵
-	-	-	-	تحلیل واریانس	۰/۰۰۰
-	-	-	-	سطح معناداری	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر رفتار باروری زنان ۱۵-۴۹ در شهر تبریز انجام گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین متغیرهای اشتغال زنان، نگرش به ارزش فرزندان، فردگرایی با رفتار باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد؛ اما بر اساس یافته‌های حاصل از داده‌های پژوهش بین متغیرهای میزان درآمد و استقلال زنان رابطه معناداری مشاهده نگردید؛ بنابراین با بررسی و مقایسه نتایج این پژوهش با یافته‌ها و تئوری‌های مطرح شده در بخش چارچوب نظری تحقیق می‌توان چنین استنباط کرد که رابطه معناداری مشاهده شده بین متغیر تعلق نسلی با رفتار باروری زنان در این تحقیق همسو و منطبق با تئوری شکاف نسلی و همچنین کارهای تجربی محمودیان و همکاران (۱۳۹۴)، دراهکی (۱۳۹۴)، رجبی و هاشمی نیا (۱۳۹۲)، وحیدنیا (۱۳۹۵)، راد و ثوابی (۱۳۹۴) است؛ یعنی به عبارتی بر اساس

نتایج تحقیق حاضر هر چقدر، سن زنان افزایش می‌یابد رفتار باروری زنان بیشتر شده و بالعکس هر چه سن زنان کمتر هست رفتار باروری‌شان کاهش می‌یابد.

نتیجه به دست آمده مبنی بر رابطه معناداری بین متغیر اشتغال زنان با رفتار باروری همسو و منطبق با تئوری‌های مدرنیزاسیون، ارتقاء اجتماعی، تئوری اشاعه، تئوری برابری جنسیتی و نظریه‌ی اقتصاد جدید خانوار و همچنین کارهای تحقیقاتی قدرتی و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی‌زاده بنده قرا و همکاران (۱۳۹۵)، صادقی و سرایی (۱۳۹۵)، الکندری (۲۰۰۷) و هیندین (۲۰۰۰) است. از بین شاخص‌های مهم مدرنیزاسیون می‌توان به تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی و اشتغال زنان اشاره کرد؛ که این امر دستیابی به استقلال اقتصادی را برای زنان فراهم نمود و در نتیجه موقعیت زنان تغییر یافت و با از بین رفتن خانواده گستره روند باروری رو به کاهش رفت. در جامعه ایران نیز ورود بیش از پیش زنان به عرصه کار و فعالیت و داشتن استقلال مالی موقعیت و جایگاه سنتی آنها را نسبت به گذشته تغییر داده و به دنبال آن رفتارهای سنتی زنان مبنی بر نقش‌های سنتی مادر بودن و اداره کردن صرف امور مربوط به خانواده دچار تحولاتی گردید و به دنبال آن رفتار باروری زنان با ورود به عرصه اشتغال و فعالیت اقتصادی کمتر گردید. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد رابطه معناداری بین فردگرایی و رفتار باروری وجود دارد؛ که این نتیجه همسو مطابق با تئوری‌های مدرنیزاسیون و فردگرایی و تئوری ارتقای اجتماعی و همچنین کارهای تحقیقاتی عنایت و همکاران (۱۳۹۲)، سروش و بحرانی (۱۳۹۲) است. مطابق با نظریه‌های گیدنز، فوکویاما، بک، کاغنتچی باسی فردگرایی به مثابه‌ی راهی از قیدوبندهای الزام‌آور بیرونی تعریف و با تمرکز بر تحولاتی چون توسعه‌ی شهرنشینی، توسعه آموزش عالی، بهبود وضعیت اشتغال زنان و توسعه فناوری‌های پیشگیرانه بارداری تعیین کرده‌اند. بررسی روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده در ایران نشان می‌دهد که فرآیندهایی چون تغییرات جمعیت‌شناختی نظیر افزایش آمار طلاق، کاهش نرخ باروری، افزایش سن ازدواج و نیز افول کارکردهای مراقبتی و جنسی بر فردی شدن نهاد خانواده در ایران دلالت دارد.

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین متغیر استقلال زنان با رفتار باروری رابطه معناداری وجود ندارد؛ که این نتیجه همسو و مطابق با تئوری‌های مدرنیزاسیون، فردگرایی و برابری جنسیتی و همچنین کارهای تحقیقاتی دراهکی (۱۳۹۴)، چمنی و همکاران (۱۳۹۵)، هیندین (۲۰۰۰)، ریامی و همکاران (۲۰۰۴) - بلانک (۲۰۰۱) و گوویندا و همکاران (۱۹۹۶) نیست. یکی از دلایل ناهمسو بودن و عدم منطبق بودن نتایج به نظریه‌ها و نتایج سایر محققین

می‌تواند به معرف نبودن و یا مبهم بودن گویه‌های متغیر استقلال زنان باشد. بر اساس یافته‌های سایر محققین در خانواده‌هایی که زنان استقلال تصمیم‌گیری کمتری دارند و سلطه مردان بر تصمیمات زندگی بیشتر است رفتار باروری زنان بیشتر و بالعکس هر چقدر استقلال تصمیم‌گیری زنان بیشتر رفتار باروری زنان کمتر می‌گردد؛ که یافته‌های این پژوهش مغایر با چنین نتیجه است. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین نگرش به ارزش فرزندان با رفتار باروری زنان رابطه معناداری دارد. این نتیجه همسو و منطبق با نظریه‌های تئوری انتخاب عقلانی - تئوری هزینه‌ها و منافع فرزندان، نظریه جریان ثروت بین نسلی و کارهای تحقیقاتی دراهکی (۱۳۹۴)، رجبی و هاشمی نیا (۱۳۹۲)، چمنی و همکاران (۱۳۹۵)، عباسی شوازی و دیگران (۱۳۸۳) است. بر اساس تئوری انتخاب عقلانی کودکان برای والدین کالاهای مصرفی بادوام محسوب می‌شوند. به اعتقاد گری بکر هزینه‌ی فرزندان در دنیای کنونی در حال افزایش است. در حال حاضر بسیاری از والدین با سرمایه‌گذاری زیاد در کودکان مخالف هستند و حاضرند پول زیادی را برای داشتن فرزند کمتر هزینه کنند. در گذشته کودکان با مشارکت در فعالیت‌های تولیدی خانواده باعث افزایش تقاضای روستاییان برای فرزند می‌گردید؛ اما در سال‌های اخیر، با وجود رشد اقتصادی و افزایش درآمدها منجر به افزایش هزینه نیز گشته است. افزایش هزینه فرزندان منجر به جایگزینی دیگر کالاها به جای آنان در تابع تقاضای والدین می‌شود؛ بنابراین ثروتمندان تعداد فرزندان کمتری با کیفیت بالا و فقرا فرزندان بیشتر با کیفیت پایین‌تری دارند. لیبنشتاین فرزند را جزء کالاهای تعهدی به حساب می‌آورد که پدر و مادر متعهد به پرداخت هزینه برای آن در یک دوره‌ی زمانی هستند. به اعتقاد وی افراد در جایگاه بالاتر هزینه‌ی بیشتری را صرف کالاهای جایگاهی می‌کنند لذا با محدودیت برای هزینه در سایر کالاها از جمله بچه که یک کالای تعهدی است، روبرو هستند. به همین دلیل بچه کمتری دارند. در فرآیند توسعه و ارتقاء جایگاه افراد، نیز این تغییر، در مصرف کالاها اتفاق می‌افتد و لذا رشد جمعیت کاهش می‌یابد؛ که این دیدگاه‌ها با نتایج به‌دست‌آمده همسو می‌باشند؛ و هر چقدر هزینه اقتصادی، روانی، اجتماعی و دینی فرزندان افزایش می‌یابد تعداد فرزندان کاهش می‌یابد.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین میزان درآمد خانواده با رفتار باروری رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه پژوهش حاضر با تئوری‌های باروری و موقعیت اقتصادی و تئوری اشاعه و کارهای پژوهشی محققان قدرتی و همکاران (۱۳۹۰)، وحیدنیا (۱۳۹۵)، چمنی و همکاران (۱۳۹۵)، صادقی و سرایی (۱۳۹۵)، راد و ثوابی (۱۳۹۴)، اسکیریک (۲۰۰۸) و الکندری

(۲۰۰۷) همسو و منطبق نیست. به عبارتی فقیر یا ثروتمند بودن خانواده‌های پاسخگویان تأثیری در افزایش یا کاهش فرزندان نداشتند.

در سال‌های اخیر جامعه‌ی ایران، تحولات اقتصادی و اجتماعی چشمگیری را تجربه کرده است. در بستر این تحولات رفتارها و نگرش‌های باروری و همچنین برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده نیز تغییر یافته است. بر این اساس با توجه به صنعتی شدن جامعه و حتی مدرنیزاسیون و هزینه‌های بالای فرزندآوری نگرش زوجین به فرزندآوری تغییر اساسی کرده است.

مقایسه یافته‌های این تحقیق با نظریه‌ها و تحقیقات سایر محققین نشان می‌دهد که هر چقدر تحصیلات زنان افزایش می‌یابد تمایل به اشتغال و کسب درآمد در بین زنان بیشتر می‌گردد و به دنبال آن زنان بیش از پیش خواهان کسب درآمد و استقلال مالی و تمایل به داشتن استقلال عمل و فردگرایی می‌باشند و برعکس هر چقدر زنان تنها در محیط خانه و بدون درآمد باشند میزان فردگرایی و استقلال کمتری را نسبت به زنان شاغل دارند؛ و در نتیجه زمان بیشتری برای فرزند اختصاص می‌دهند. بر اساس یافته‌های این پژوهش در مقایسه با نظریه‌ها و پیشینه‌های تحقیق نکته قابل تأمل این است که میزان استقلال زنان با رفتار باروری رابطه معناداری قابل مشاهده نگردیده است که این امر می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی باشد از جمله معرف نبودن گویه‌های پرسشنامه و یا عدم درک معنای صحیح سؤالات توسط پرسشگر و یا مصاحبه شونده باشد. از آنجایی که گویه‌های مربوط به متغیر فردگرایی از مطالعات دیگران استخراج شده است و باید گویه‌ها برای نمونه آماری حاضر بومی‌سازی و قابل فهم‌تر می‌شد لذا به دلیل عدم توجه به چنین مسئله‌ای می‌تواند یکی از دلایل عدم معناداری رابطه بین میزان فردگرایی و استقلال زنان باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر بیشتر زنان تنها یک فرزند دارند در حالی که اکثریت زنان بیان کرده‌اند که مایل‌اند دو فرزند داشته باشند؛ بنابراین نکته قابل توجه این است که چرا زنان با وجود تمایل به داشتن دو فرزند، تک فرزند می‌باشند. این امر بنا به اظهارات مصاحبه‌شوندگان با پرسشگر در حین جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند به دلیل وجود مشکلات اقتصادی و عدم حمایت‌های دولتی از خانواده‌ها برای فرزندآوری باشد؛ زیرا هر فرزند هزینه‌های اقتصادی زیادی را برای خانواده به دنبال دارد و با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی خانواده‌ها و دشوار بودن تأمین نیازهای فرزندان، رغبت زوجین به داشتن فرزند بیشتر را کاهش می‌دهد و در نتیجه تعداد فرزند کمتری را به دنیا می‌آورند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت جمعیت مهم‌ترین عامل در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی یک کشور است. کاهش یا افزایش تعداد جمعیت بدون هماهنگی با سیاست‌های جمعیتی و همسو نبودن با انتظارات برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی خسارات جبران‌ناپذیری بر ساختار جامعه وارد می‌سازد. بی‌تردید شناخت عوامل مؤثر بر کاهش و یا افزایش جمعیت برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سیاست‌های جامعه امری لازم و ضروری است؛ زیرا بدون شناخت عوامل تأثیرگذار در ایجاد این مسئله، مشکلات همچنان پابرجا بوده و در آینده جامعه با مشکلات جدیدتری مواجه خواهد گردید.

بخش اعظم تغییرات در رفتار باروری زنان به واسطه تحولات و دگرگونی‌های درون خانواده رخ می‌دهد. متغیرهای تأثیرگذار در این پژوهش شامل فردگرایی و نگرش به ارزش فرزندان متغیرهایی هستند که منشأ آنها خانواده است؛ بنابراین خیلی مهم است که تحولات رفتار باروری را در درون خانواده‌ها جستجو گردد و با الگوسازی و ارائه نگرش‌های صحیح به دختران و مادران آینده، رفتارهای باروری آنها هدایت گردد.

پیشنهادها

- با توجه به نتایج حاصل برای تحقیقات آتی نیز پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:
- بررسی و شناسایی مؤلفه‌های رفتار باروری زنان بر اساس چشم‌اندازهای نظری متفاوت
- مطالعه تطبیقی رفتار باروری زنان در بسترهای اجتماعی متفاوت
- شاخص سازی رفتار باروری زنان در فرهنگ‌ها و اقوام مختلف
- مطالعه رفتار باروری زنان با اتکا بر روش‌های پژوهش کیفی داده بنیاد

منابع

- ◀ آزموده، الهام، براتی فر، سعیده، بهنام، هانیه و آردمهر، مریم (۱۳۹۴). ارتباط ترجیح جنسی، فاصله موالید و ترکیب فرزندان بر رفتار باروری، مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ۳(۳): ۸-۱۵.
- ◀ آشفته تهرانی، امیر (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی و آینده‌نگری جمعیت ایران، اصفهان، جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- ◀ بالاخانی، قادر و ملکی، امیر (۱۳۹۶). بررسی ظهور فردگرایی در عرصه‌ی خانواده (مطالعه‌ی موردی شهروندان تهرانی)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۲۰(۷۷): ۷-۳۴.
- ◀ چمنی، سولماز، مشفق، محمود و شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۵). مطالعه تعیین‌کننده جامعه‌شناختی فرزندان آوری (مورد کاوی: زنان متأهل شهر تهران)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۲۰): ۱۳۷-۱۶۵.
- ◀ چمنی، سولماز، مشفق، محمود و شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۵). مطالعه‌ی چالش‌های فرزندان آوری در شهر تهران با تأکید بر روش ترکیبی، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، ۳(۱): ۹-۳۶.
- ◀ حاجی‌زاده بنده قرا، فهیمه، جان نثاری، شراره، ازگلی، گیتی و نصیری، ملیحه (۱۳۹۵). تأثیر مثبت توانمندی زنان بر فرزندان آوری: تعداد فرزندان بیشتر در زنان شاغل، مجله زنان، مامایی و نازایی ایران، ۱۹(۳۷): ۵۱-۶۱.
- ◀ حلم سرشت، پریوش و دل پیشه، اسماعیل (۱۳۸۴). جمعیت و تنظیم خانواده، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات مهر.
- ◀ دراهکی، احمد (۱۳۹۴). عوامل تعیین‌کننده باروری ایدئال زنان: مطالعه باروری ایدئال زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله دارای همسر شهر نسیم شهر در سال ۱۳۹۳، مجله علوم پزشکی رازی، ۲۲(۱۴۱): ۵۹-۶۹.
- ◀ راد، فیروز و ثوابی، حمیده (۱۳۹۴). بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۱۵-۵۰ ساله ساکن شهر تبریز)، مطالعات زن و خانواده، ۳(۱): ۱۲۷-۱۵۵.
- ◀ رجبی، ماهرخ و هاشمی‌نیا، فاطمه (۱۳۹۲). ارزش کودکان و رفتار باروری در شهر شیراز، فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۵(۱۸): ۲۳-۴۲.
- ◀ رزاقی نصرآباد، حبیبه بی‌بی و سرابی، حسن (۱۳۹۳). تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزندان در استان سمنان، زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۲): ۲۲۹-۲۵۰.
- ◀ رضوی‌زاده، ندا، غفاریان، الهه و اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴). زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندان آوری (مورد مطالعه: زنان مشهد)، راهبرد فرهنگ، ۸(۳۱): ۷۳-۹۸.
- ◀ زاهدی، محمدجواد؛ نایبی، هوشنگ؛ دانش، پروانه؛ نازک تبار، حسین (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فرآیند نوسازی در ساختار خانواده (مقایسه نقاط شهری و روستایی در استان مازندران)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۶(۶۱): ۹۷-۱۴۸.
- ◀ سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگاه.

- ◀ سعیدی مدنی، سید محسن، کریمی، حامد، جلیلیان، اردشیر و آرمند، محمدعلی (۱۳۹۵). تعیین‌کننده‌های رفتار باروری زنان گروه‌های مذهبی شیعه و اهل سنت، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۶): ۷۱-۹۷.
- ◀ شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات کیهان.
- ◀ صادقی، حنانه سادات و سرایی، حسن (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷(۲۷): ۱-۳۲.
- ◀ صادقی، رسول (۱۳۹۵). تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۲۰): ۲۱۷-۲۴۶.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال، چاوشی، میمنت حسین، دونالد، پیتر مک و دلاور، بهرام (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران، شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و خانی، سعید (۱۳۹۳). *نامانی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۹(۱۷): ۳۷-۷۶.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و خواجه‌صالحی، زهره (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۱(۱): ۴۵-۶۴.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و حسینی، حاتم (۱۳۸۶). قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه، *فصلنامه انجمن علوم اجتماعی*، شماره ۴: ۵-۴۱.
- ◀ عسکری ندوشن، عباس، حسینی، حاتم و کریمی، حامد (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده‌ی ایدئال‌های باروری زنان کرد شاغل و غیرشاغل شهر سنندج، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۷(۶۷): ۴۵-۸۳.
- ◀ غفاری نسب، اسفندیار، مساوات، سید ابراهیم و قاسمی نژاد، محمد علی (۱۳۹۵). *مطالعه شرایط زندگی مرتبط با باروری زنان در ایران (بر اساس تحلیل ثانویه‌ی سرشماری ۱۳۹۰)*، *فصلنامه پرستاری گروه‌های آسیب‌پذیر*، ۳(۸): ۵۹-۷۵.
- ◀ قدرتی، حسین، یاراحمدی، علی، مختاری، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰). تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۲(۴): ۷۹-۹۴.
- ◀ گیلیس، مالکوم، دوایت اچ. پرکینز، رومر، مایکل و اسنودگراس، دانلد آر (۱۳۸۵). *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی.
- ◀ لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه‌ی حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.

- ◀ محمودی، محمد جواد، احراری، مهدی و نیکونستی، علی (۱۳۹۴). اقتصاد و نظریه‌ها، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۸(۶۹): ۲۱۳-۲۴۵.
- ◀ محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۲۷-۵۳.
- ◀ موسوی، سیده فاطمه و قافله باشی، مهدیه سادات (۱۳۹۲). بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین، مطالعات زن و خانواده، ۱(۲)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ◀ وحیدنیا، کاظم (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به باروری و تنظیم خانواده (مورد مطالعه: کارکنان راهنمایی و رانندگی شهر اهواز)، فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، ۳(۱۷)، ۹۹-۱۴۴.
- ◀ ویکس، جان (۱۳۸۵). جمعیت، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه‌ی الهه میرزایی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

► Abasi-Shavazi, M.J., McDonald, P. & Hoseini-Chavoshi, M. (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*. London, Springer Publication.

► Al- Kandari, Y.Y. (2007). Fertility and its relationship with sociocultural factors in Kuwaiti society, *Eastern Mediterranean health journal*, 13(6), 1364-1371. <https://doi.org/10.26719/2007.13.6.1364>

► Hindin, M. (2000). Women's autonomy, women's status and fertility-related behavior in Zimbabwe, *Population Research and Policy Review*, 19(3): 255-282.

► Khraif, R. M., Abdul Salam, A., Al-Mutairi, A., Elsegaey, I. & Al Jumaah, A. (2017). Education's impact on fertility: The case of King Saud University Women, Riyadh, *Middle East Fertility Society Journal*, 22(2): 125-131. <https://doi.org/10.1016/j.mefs.2016.12.002>

► Bacci, M. L. (2013). Low Fertility in Historical Perspective. *Population and Development Review*, 38, 72-82. <http://www.jstor.org/stable/23655287>

► Retherford, R. D. & Palmore, J. A. (1983). Diffusion Processes Affecting Fertility Regulation, in: Rodolfo, A. Bulatao, and Ronald D. Lee (eds.), *Determinants of Fertility in Developing Countries*, vol 2. New York, Academic Press: 295-339.

► Riyami, A., Afifi, M. & Mabry, R. M. (2004). Women's autonomy, education

and employment in Oman and their influence on contraceptive use, *Reproductive Health Matters*, 12 (23): 144-154.

► Skirbekk, V. (2008). Fertility trends by social status, *Demographic Research*, 18 (5): 145-180.

► Wehner, C. & Abrahamson, P. (2004). Individualization of Family life and Family Discourses. ESPAnet Conference, Oxford, septembr: 550-5570.